

پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

سید محمود مرعشی

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از اصلی ترین و مهمترین پایه های وحدت در جامعه اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیّت و یگانگی خداوند است. به موجب این اصل، همه امّت اسلامی با هر نژاد، طبقه، رنگ و زبان، در هر زمان و مکان باید به آفریدگاری یکتا و یگانه و دین و طریقه واحدی ایمان داشته باشند تا مصداق تمام عیار و کامل «امّت واحد» قرار گیرند.

قرآن مجید در آیات فراوانی، بطور صریح و آشکار مسلمانان و جهانیان را به توحید فرا می خواند و عقیده توحیدی را خمیر مایه تشکیل امّت اسلامی می داند:

«ان هَذِهِ امَّتُكُمْ اُمَّةٌ وَّاحِدَةٌ وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»(1)؛ اينك (با آمدن دين مقدس اسلام و آيين توحيدى) امّتي يکپارچه ويگانه شديد و من پروردگار شما هستم، (بنا بر اين) فقط مرا پرستش کنيد.»

در آيه اي ديگر علل و اسباب نزديکي و وحدت مسلمانان را به خویش نسبت

1 - سورة انبياء: 92.

-(80)-

مي دهد و به پيامبر گرامي اسلام اعلام مي کند که اي پيامبر! تو با همه ثروت و امکانات روي زمين، قادر به اين وحدت نبودي؛ «وَالسَّافَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْسَفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَئِنَّ اللَّهَ السَّافَّ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»(1)؛ اين خداوند بود که دلهاي مؤمنان را به هم نزديک و مهربان ساخت، اگر تو تمام ثروت روي زمين را در راه ايجاد الفت و پيوند دادن دلهاي مؤمنان به يکديگر خرج مي کردی، نمي توانستي دلهايشان را به هم نزديک سازي! اما خداوند بود که آنان را به هم الفت داد، يقيناً خداوند به هر کاري توانا و داناست.»

از اين فراتر و بارزتر آن که منشا پيدايش بني آدم و خيزشگاه انسانها را از يك سرچشمه مي داند و آشکارا هر گونه اختلاف نژادي، طبقه بندي طبقاتي و فرقه گرایی را مردود دانسته و بيان مي دارد که: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَرْسَلْنَا قُرْآنًاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَّأُنثَى وَّجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»(2)؛ اي مردم! آگاه باشيد که همه شما را از مرد وزن آفريدیم و آنگاه شما را گروه گروه و فرقه هاي گوناگون قرار دادیم، تا يکديگر را بشناسيد، يقيناً بزرگوارترين و بهترين شماها نزد خداوند پرهيزکارترين شماست.»

در عين اين گروه بندي متعارف به دليل ايمان واحد و عقيدة مشترک، همه مؤمنان را برادر همد يگر معرفي نموده، از يکايک آنان مي خواهد که اگر اختلافي بين اين برادران ديني پيش آيد، بايد به اصلاح آن پرداخت و برادران را با يکديگر آشتي داد و در اين مسير تقوا پيشه کرد تا مورد لطف و مرحمت حق

قرار گیرند: ﴿انَّمَا إِلَهُمُ اللَّهُ وَإِنَّمِنُ الْإِخْوَانُ إِخْوَانَةٌ فَاصْلَحُوا بَيْنَ إِخْوَانِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (3).

1 - سورة انفال: 63.

2 - سورة حجرات: 13.

3 - سورة حجرات: 10.

-(81)-

راه از میان رفتن اختلاف و تفرقه و دشمنی، جنگ زدن به ریسمان توحید و یا دآوری نعمتهای وحدت آفرین الهی است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَدَاوَةً فَانقَضَتْ بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾ (1)؛ وهمگی به رشته الهی جنگ بزنید و راههای گوناگون تفرقه آمیز نروید و به یاد آورید آن نعمت بزرگ را که وقتی شما باهم دشمن بودید، خداوند بود که بین شما الفت و مهربانی و پیوند قلبی برقرار کرد و به لطف او بود که همگی باهم برادر شدید، در حالی که در لب پرتگاه آتش قرار داشتید و خداوند شما را از آن نجات داد.

بر این معیار و بر این مبنا بود که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله میان مسلمانان عقد اخوت بست و یک پیوند خدایی و ناگسستنی در میان امت اسلامی پدید آورد و مسلمانها با عقیده مشترک به توحید، نبوت، معاد و ایمان به ملائکه، کتاب خدا، قیلة واحد و نیایشی واحد و مشترک به وحدت رسیدند و امتی واحد، یکپارچه، همگون و برابر و برادر شدند؛ چرا که قرآن آنها را برادر دانسته و پیامبر تاکید فرمود که: «المؤمن اخو المؤمن» و نیز آنها را به جسمی واحد تشبیه کرده و فرمود: مثل المسلمین فی تراحمهم و توادهم، کمثل الجسد اذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الاعضاء بالسهر والحمی.

این جسد همان امّت یکپارچه اسلامی است و اعضای پیکره آن مسلمانان و شعبه ها و تیره های مختلف و متفرق هستند، و اگر عضوی از آن پیکره واحد دچار ناراحتی، جراحت و المی گردید، وظیفه سایر اعضا و اجزاست که به درمان آن بپردازند، تا جامعه به صلح، آرامش، ترقی و تکامل دست یابد.

1 - سورة آل عمران: 103.

-(82)-

با همه توصیه ها، تاکیده ها و دستورهای آشکار خداوند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دیری نپایید که اختلاف و تفرقه در جامعه یکپارچه اسلامی پدید آمد و پیکره واحد این امّت متحد و توحیدی گرفتار آفت و بیماری و دشمنیهای خانمان برانداز گردید.

دشمنان اسلام که از آغاز ظهور اسلام از این امّت واحده، ضربات سهمگینی خورده بودند، از این اختلاف و شکاف بین مسلمان سود جسته و سربرآوردند و آگاهانه به این اختلاف دامن زدند و هر چه بیشتر بر عمق و گستره تفرقه بین مسلمانان افزودند و شکاف و اختلاف را عمیقتر و خصمانه تر ساختند.

باز شدن دست استعمار باعث دامنه دارتر شدن این اختلافات و تفرقه ها گردید، به حدّی که مسلمانان روز به روز ضعیفتر و شکننده تر شده و در جنگ استعمار خونخوار گرفتار گردیدند؛ از این رو بر رهبران فکری جامعه، دانشمندان و عالمان اسلامی است که نخست خود دست وحدت و برادری به سوی یکدیگر دراز کنند و در مرحله بعد به بیدارگری امّت متفرّق، متشتّت و پراکنده اسلامی پرداخته و به ایحای برادری، اتحاد و یکپارچگی در میان مسلمانان روی آورند و همگی را به توحید که پایه و رکن اساسی اسلام و عامل وحدت بخش جامعه اسلامی است، فرا خوانند و زیر پرچم قرآن به اعاده بنای وحدت اسلامی بپردازند و به هر مسلمان در هر نقطه و هر زمان بفهمانند که مسلمان برادر مسلمان است و به تبیین این حقیقت که وحدت مسلمانان بر دو محور اصلی می چرخد پرداخته شود:

1 - رعایت و احترام نمودن هر مسلمان به حقوق دیگر مسلمانان در هر سرزمین از بلاد پهناور اسلام، بدون در نظر گرفتن مذهب، طبقه، نژاد، جنسیت، زبان و رنگ، و مصون بودن جان و مال آنان.

-(83)-

و پیامبر اسلام و امامان و پیشوایان جامعه اسلامی به آن توصیه و راهنمایی و حتی عمل کرده اند.

در این میان نقش عالمان و بزرگان شیعه در فراهم سازی زمینه های وحدت تمامی ملل اسلامی و ایجاد بستر تفاهم و همدلی و تقریب و نزدیک سازی فرق مختلف جهان اسلام و پیروان مذاهب توحیدی بسیار برجسته و شاخص است.

شخصیتهای بزرگ و نامداری مانند: ابو القاسم علی بن الحسین بن موسی معروف به شریف مرتضی و علم الهدی (355 - 436 ق)، مفسر، متکلم و فقیه اصولی ابو جعفر محمد بن حسن طوسی معروف به «شیخ الطائفه» و «شیخ طوسی» (385 - 460) مفسر فقیه و اصولی و از مشاهیر فقها و علمای شیعه؛ جمال الدین بن حسن یوسف بن مطهر معروف به علامه حلّی (648 - 726 ق) یکی از نامورترین فقهای شیعه؛ محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بهایی (953 - 1030 ق) فقیه اصولی، محدث رجالی، مفسر، متکلم، ریاضیدان و ادیب برجسته شیعی؛ ملا محمد باقر بن محمد تقی معروف به علامه مجلسی (م 1111 ق) محدث و فقیه و از مفاخر شیعه و از متاخرین آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (1292 - 1380 ق) فقیه برجسته و مرجع نامدار شیعیان، دلسوزانه و مجدّانه در این راه کوشیده و همت بر این کار گمارده اند.

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی؛ (1315 - 1411 ق) نیز به تاسی از این بزرگان و سلف صالح تشیع، پیش از پایه گذاری «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة» در مصر توسط شیخ محمد تقی قمی شیعی و شیخ شلتوت رئیس جامع الازهر قاهره و همگامی کسانی مانند آیت الله بروجردی، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی از جهان تشیع و عبدالمجید

-(84)-

سلیم، محمد علی علوبه پاشا، حسن البنا، علی مؤید، امین الحسینی و شیخ آلوسی فرزند صاحب تفسیر آلوسی در سال 1378 قمری، عملاً گام در این راه نهاد و با حضور در جلسات درس علماء بزرگ اهل سنت از مذاهب چهارگانه و دیگر فرق اسلامی در عراق و سایر مناطق اسلامی، به شکلی واقعی و عینی در راه تفاهم

هر چه بیشتر و نزدیک‌سازی مذاهب مختلف و علما با یکدیگر، و ایجاد زمینه‌های گسترده ارتباطات همه جانبه کوشید.

ایشان در آغاز دوره تحصیلی در عراق به محفل و جلسه درس علمای طراز اول اهل سنت عراق مانند: علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (1356 ق)؛ علامه سید ابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی (متوفای 1365 ق)؛ علامه شیخ نور الدین شافعی مشهور به شیخ نوری؛ علامه سید عبد الوهاب افندی حنفی و علامه سید علی خطیب نجف اشرف، شرکت نمود و از مباحث و تقریرات درسی آنان استفاده کرد و ارتباطی متین و مستحکم با آنان به وجود آورد که موجب شگفتی بسیار از معاصران وی گردید.

آیت الله مرعشی نجفی برای تحکیم هر چه بیشتر وحدت علمای اسلام و ایجاد زمینه‌های اتحاد و همبستگی در جامعه اسلامی، از تعداد بسیاری از مشایخ روایتی و درسی خویش، از علما و فقهای بزرگ اهل سنت و جماعت و سایر فرق اسلامی اجازه روایتی دریافت کرد و یاب به آنان اجازه روایتی داد که بیش از اشاره به آنها، لازم است در اینجا به مفهوم اجازات روایتی در میان علمای اسلام و زمینه‌سازی اجازات متقابل و طرفینی که اصطلاحاً به آن اجازات «مدبّجه» می‌نامند، نیز اشاره کوتاهی داشته باشیم.

—(85)—

اجازات روایتی

حدیث و حاملان و راویان آن در جامعه اسلامی از پایگاه و موقعیت ممتازی برخوردار بوده و هستند؛ زیرا حدیث بیان و تفسیر قرآن و احکام و قوانین اسلام است و محدّث و راوی، بازگو کننده و ناقل آن، از این رود علم الحدیث و رجال بسیار به آن دو پرداخته اند و برای شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح راه‌های مختلفی ارائه کرده اند، چنانکه برای حاملان احادیث و ناقلان و راویان آن، شرایط و ویژگی‌های خاصی قائل شده و در نظر گرفته اند. در حقیقت اجازه روایتی در اصطلاح دانشمندان اسلامی عبارات است از: تایید دانشمندی بر جسته بر تایید عالمی دیگر که خود در طول تاریخ اسلامی در مذاهب گوناگون بین علمای مذهبی رایج و معمول بوده است.

راهها و به اصطلاح «طرق حمل حدیث» گوناگون و مختلف است و شهید ثانی این طرق و راهها را به هفت دسته تقسیم کرده که عبارتند از: سماع (شنیدن)، قرائت، اجازه، مناو له، کتابت، اعلام و وجاده که هر يك از این راهها خود به بخشها و شعبه‌های متعددی تقسیم می‌گردد؛ از این هفت راه جز طریق اجازه، بقیه

رواج چندان زيادي ندارد، به همين دليل مختصرا فقط به اجازه مي پردازيم(1).

الف - اجازه روايتي که به هنگام اطلاق، ناظر به همين قسم است و به اين معناست که عالمي صاحب اجازه، که از مشايخ و اساتيد خود اجازه نقل حديث و بيان و روايت آن را دارد، به عالمي واجد شرائط، اجازه دهد که از او احاديث و اخباري را که وي از مشايخ خود کتباً يا شفاهاً نقل کرده، در نوشته ها و آثار و تاليفات خود بياورد و يا براي

1 - جهت اطلاع بيشتري، ك: الاجازة الكبيرة، آية الله العظمي مرعشي نجفي رحمه الله 4656 چاپ قم سال 1414 ق.

-(86)-

ديگران نقل و روايت کنند.

اين نوع از اجازات به اين دليل رواج يافته که هر شخص بي صلاحيتي نقل حديث نکند و تنها افرادي که واجد تقوا، راستگويي، اما ننداري، بصيرت، خبره، حديث شناس، سندشناس و رجال شناس باشند، مجازند به نقل حديث بپردازند تا الفاظ و محتوای حديث خدشه دار نشود و شنوندگان و خوانندگان با اطمينان کامل مضمون حديث را به گوش جان بشنوند و به آن عمل کنند.

اين گونه اجازات روايتي فوايد بي شماری دارد که از جمله، تيمن و تبرک اجازه است که «مجاز» خود را در بين روايان حديث احساس مي کند؛ ديگر اتصال اسانيد کتابها و روايات که در هر عصر و زمان، ديگري به ديگري مي سپارد و نسبت کتابها به نويسندگان و نقل احاديث از اعتبار بيشتري برخوردار مي گردد؛ همچنين آشنايي بيشتري «مجاز» از شرح احوال علمای گذشته و اسامي و تاليفات و مشايخ آن و نيز از لحاظ تاريخي در هر عصر و زمان علت صدور اجازه عالمي به عالم ديگر از هر طبقه مشخص مي گردد؛ ديگر آن که احوال علما و دانشمندان و نيز ديده گاههاي استادان نسبت به شاگردان و بالعکس، وشهادت آنان در حق يکديگر مشخص مي شود؛ بالاخره براي نقل احاديث از کتب معتبره در مرحله اول اعتماد بيشتري در شنوندگان و خوانندگان ايجاد مي گردد.

ب - اجازه اجتهاد (شهادت نامه عملي)، که اجازه دهنده (مجيز) براي اثبات قدرت استنباط احکام شرعي از روي ادلة تفصيلي، آن را به اجازه گیرنده (مجاز) مي دهد.

به عبارت ديگر، هنگامی که استاد و شيخي، قدرت و توانايي و ملکه استنباط احکام شرعي و اجتهاد را در شاگرد خویش تشخيص بدهد، به او اجازه

-(87)-

اجتهاد خواهد داد.

این نوع اجازه در میان متاخرين بسیار متداول شده و نوعي شهادتنامه علمي است که اساتيد به شاگردان خود مي دهند؛ اعم از این که این اجتهاد مطلق باشد و يا متجزی که مجتهد قدرت اجتهاد بخشي از احکام را داشته باشند.

ج - اجازه امور حسبيه و گرفتن و محاسبه وجوه شرعي، مانند سهم سادات، سهم امام رضا عليه السلام، زکات، صدقات کفارات، مظالم عباد، مجهول المالک، و تصرف در امور ديني، اسلامي و اجتماعي مسلمانان.

به اعتباري ديگر، تمامی اجازات روايتي به دو نوع اجازات کتبي و شفاهي تقسيم مي گردد اجازات کتبي عبارت است از این که ، شيخ و استاد به شاگرد و يا عالمي ديگر به صورت مکتوب و مستند اجازه روايت و نقل حديث بدهند و اجازات شفاهي آن است که، کتابتي و سندي مکتوب در میان نباشد و يا اعتمادي که استاد و مجيز به مجاز دارد، شفاهاً به وي اجازه نقل حديث و بيان آن را براي ديگران مي دهد.

آيت ا [مرعشي نجفي رحمه ا] در زمرة معدود مراجع و مجتهدان و عالمانی است که از سنين جواني و در طول زندگي پربار خویش موفق به دريافت بیش از چهار صد و اندي اجازه روايتي از مشايخ جهان اسلام گرديد و بلکه مي توان ادعا کرد که در میان علمای متاخر کمتر عالمي است که مانند ایشان نائل به این همه اجازه شده باشد، در حقيقت شيخ الاجازه عصر خویش به شمار مي آيد (1).

اجازات کتبي معظم له نزد يك به 150 اجازه و اجازات شفاهي ایشان متجاوز از 250 اجازه مي شود.

1 - ایشان گذشته از این که موفق به دریافت بیش از چهار صد و اندی اجازه از علمای اسلام شده اند، خود نیز سه هزار اجازه به افراد مختلف واجد شرایط در طول زندگی خود داده اند.

-(88)-

وی بیش از 339 اجازه روایتی از علما و فقهای شیعه و 156 اجازه روایتی از علما و فقهای اهل سنت و بیش از هفده اجازه روایتی از علمای زیدی دریافت کرده است که خود نشانگر ارتباط گسترده ایشان با علما، فقها و محدثان مذاهب اسلامی است.

شماری از اجازات ایشان به صورت متقابل و طرفینی است که در اصطلاح علمای حدیث و اجازه، آن را اجازه «مدبّجة» می نامند؛ یعنی بعضی از مشایخ - اعم از شیعه و سنی - به آیت ا [] مرعشی اجازه نقل حدیث از طریق خودشان داده اند و متقابلاً ایشان نیز به آنان اجازه نقل احادیثی که خود از طریق دیگر مشایخ نقل کرده، داده است.

دسته ای از این اجازات که کتبی هستند، اینجانب گردآوری کرده ام که به یاری خداوند در کتاب «المسلسلات فی الاجازات» در آینده در دو جلد به عربی منتشر خواهد شد؛ جلد اول آن اصل اجازات با دستخط «مجیزین» و جلد دوم شامل زندگینامه اجازه دهندگان است.

علما و دانشمندان اهل سنت که به آیت ا [] مرعشی نجفی اجازه روایتی کتبی داده اند عبارتند از:

1 - علاّمه شیخ عبد الحفیظ بن محمد طاهر فهري فاسي مالکي مغربي، از ذریّه ذی الوزاتین یحیی بن فرج بن حد اندلسی (1296 - 1383 ق) مقیم رباط مراکش.

مجموعه اجازه از او به نام «الاسعاد بمهمّات الاسناد» در 63 صفحه است که در سال 1357 ق نوشته است.

2 - علاّمه شیخ داوود بن محمد بن عبدا [] مرزوقی زبیدی یمانی شافعی. تاریخ اجازه بیست و هفتم رجب 1355 ق در یازده صفحه.

3 - علاّمه سید ابراهیم راوی رفاعی بغدادی شافعی (1276 - 1365 ق) مدرس سابق جامع سید سلطان علی در بغداد. ایشان سه اجازه به مرحوم آیت ا [] مرعشی

نجفی رحمہ اللہ دادہ اند کہ اولیٰ دربیست و ششم شعبان 1351 ق در ہشت صفحہ ، دومی دربیست و ہفتم ربیع الاول 1355 ق و سومی بدون تاریخ است.

4 - علاءؒ مہ شیخ محمد بخت بن حسین مطیعی مصری حنفی (1271 - 1354 ق) مفتی سابق حنفیہ مصر. اجازہ او بہ تاریخ بیست و ششم ذیقعدہ 1352 ق در قاہرہ نوشتہ شدہ است.

5 - علاءؒ مہ شیخ محمد طاہر بن محمد شاذلی بن عبد القادر بن محمد بن عاشور شریف مالکی مغربی تونس (1286 - 1393 ق) تاریخ اجازہ بیستم شوال 1388 ق در ہشت صفحہ.

6 - علاءؒ مہ سید علوی بن طاہر بن عبد اللہ حداد علوی حسینی شافعی حصرمی (1301 - 1382) تاریخ اجازہ ہیجدهم شوال 1366 ق در 42 صفحہ.

7 - علاءؒ مہ شیخ محمد اللہ حافظ جی حضور امیر الشریعہ ابن مولوی محمد ادریس حنفی بنگلادشی (سال تولد - 1988 م) رہبر مذہبی مسلمانان بنگلادش.

تاریخی اجازہ ہیجدهم ذیقعدہ 1402 ق در شہرستان قم.

8 - علاءؒ مہ شیخ محمد بھجہ بن محمد بہاء الدین بیطار دمشقی حنبلی (1311 - 1396 ق) از دانشمندان برجستہ سوریه و مؤلفان مشہور جہان عرب. تاریخ اجازہ پانزدہم جمادی الثانی 1357 ق.

9 - علاءؒ مہ شیخ یوسف بن احمد بن نصر دجوی مصری مالکی، (1387 - 1365 ق) عضو جمعیت کبار العلماء سابق مصر تاریخ اجازہ ہیجدهم جری 1939 م.

10 - علاءؒ مہ سید علی بن حمد بن عقیل علوی شافعی یمانی.

11 - علاءؒ مہ شیخ عبد الواسع بن یحییٰ بن حسین واسعی یمانی شافعی (1295 - 1379) از علمای بزرگ یمان. دو اجازہ بہ مرحوم آیت اللہ مرعشی نجفی رحمہ اللہ دادہ است

که اولی در شوال 1355 و دومی بدون تاریخ است.

او اجازه ای نیز متقابلاً از آیت ا^ع مرعشی نجفی در چهارم محرم الحرام 1355 ق. دریافت کرده است که در صفحه 103 کتاب «الدر الفرید الجامع لمفترقات الاسانید» به سال 1357 ق. در چاپخانه حجازی قاهره چاپ شده است و آن را به عنوان نمونه در پایان مقاله آورده ایم.

12 – علا^{مه} شیخ ابراهیم جبالی مصری، از دانشمندان برجسته سابق الازهر مصر که شهر فراوانی نزد علمای آن دیار داشته است. تاریخ اجازه بیست و هفتم ربیع الاول 1354 ق.

13 – علا^{مه} شیخ احمد بن محمد بن سلیمان اهدل مقبول حسینی زبیدی، ملقب به ادربیسی، (1284 – 1357) تاریخ اجازه هیجدهم رجب 1355 ق.

14 – علا^{مه} شیخ محمد بن صدیق بطاح اهدل شافعی حضر می، تاریخ اجازه، رجب 1355 ق.

15 – علا^{مه} شیخ احمد بن شیخ امین کفتارو مفتی بزرگ سوریه. تاریخ اجازه چهارم ربیع الاول 1402 ق.

16 – علا^{مه} شیخ محمد حسن محمد مشاط مکی، خادم و مدرس حرم مکی و دارای تالیفات بسیار. نام اجازه او: «الارشاد بذکری بعض مالی من الاجازه والاسناد» در دوازده صفحه که به سال 1370 ق. نوشته است.

17 – علا^{مه} شیخ حسین مجدی کردی شافعی، مدرس در مسجد بازار شهرستان مهاباد کردستان. تاریخ اجازه 1388 ق.

18 – علا^{مه} سید حسن اسعدی شافعی کردی مقیم کردستان، شهرستان سلدور: اجازه او در سه صفحه به تاریخ 1385 ق.

19 – علا^{مه} عارف شیخ عبدا^ع بن ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، رهبر تیجانیهایی آفریقا در کشور سنگال.

بین مرحوم آیه ع مرعشی نجفی رحمه ع و کسانی مانند: علاء مه سید احمد بن محمد بن سلیمان بن عبد ع اهدل شافعی حصرمی یمانید؛ علاء مه سید ابراهیم راوی رفاعی شافعی بغدادی، علاء مه شیخ عبد الواسع بن یحیی واسعی یمانید، شیخ عبد ع بن ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، رهبر فرقه تیجانیه کشور آفریقای سنغال، علاء مه شیخ احمد بن امین کفتارو، مفتی بزرگ جمهوری عربی سوریه، شیخ محمد ع حافظ جی حضور، امیر الشریعة حنفی و رهبر مذهبی مسلمانان بنگلادش اجازات مدبرجه ردو بدل شده است.

سایر علما و فقهای اهل سنت که آیت ع مرعشی نجفی از آنان اجازه کتبی و شفاهی روایتی دریافت کرده عبارتند از؛ سید عبد الوهاب افندی حنفی، مفتی استان کربلا در زمان دولت عثمانی، علاء مه مصلح و مفسر بزرگ مصر شیخ طنطاوی جوهری مصری صاحب «تفسیر الجواهر»، شیخ محمد راغب بن حاج محمود حلبی صاحب کتاب «اعلام النبلاء بتاریخ جبل الشهباء»، سید محمد بن عقیل بن عبد ع حسنی علوی عریضی حصرمی، ابو بکر بن شهاب علوی، علاء مه شیخ نور الدین شافعی مشهور به شیخ نوری، علاء مه محدث مصلح شیخ احمد بن عبدالرحمن بن محمد البناء مشهور به ساعاتی مصری مالکی (پدر شیخ حسن البناء رئیس اخوان المسلمین) شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی، شیخ محمد دمشقی حنبلی، سید جمال الدین ابو المعالی محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ عبدالوهاب بن عبد ع خوقیر شافعی مکی امام مسجد الحرام، شیخ یوسف عطاء حنفی اشعری بغدادی، شیخ حسین منون بن یوسف بن احمد منون، علامه فضل ع جیلانی استاد دانشگاه عثمانیه حیدر آباد

—(92)—

دکن، ابو سعید محمد عبد الهادی بن حاج محمد عبد الکریم بن احمد هندی مدرسی حنفی حیدر آبادی، حاج شاه مولوی محمد عبد الحامد حنفی قادری بدایونی رئیس جمعیت علمای پاکستان، عبد الرحمن علیش حنفی مصری، شیخ محمد حبیب ع بن عبد ع بن احمد مالکی جکنی یوسفی شنقیطی مدنی، سید ابو عبد ع محمد بن حسن بن عربی محمد حجوی ثعالبی مالکی مغربی فاسی رباطی، سید فائق بن صالح بن عبد القادر بن یونس علوی عبادی ربونی موصلی شافعی، شیخ محمد سلیم جنیدی شافعی ثم الحنفی مفتی بلده معرة النعمان، سید محمود ابو الفیض مونی مصری شاذلی خلوتی، شیخ محمد رشید خطیب بن شیخ صالح طائی موصلی، شیخ یوسف بن اسماعیل بن یوسف ناصر الدین شافعی بیرونی نبهانی، شیخ محمد یوسف بن محمد الیاس هندی کاندهلوی، شیخ مظفر احمد بطیف عثمانی تهانوی و سید نسابه ابو الاسعاد، ابو الاقبال سید محمد عبد الحی بن سید عبد الکبیر حسنی ادیسی مغربی کتانی.

به این ترتیب آیه ا [العظمیٰ مرعشی نجفی رحمه ا] یکی از علما و فقهای پیشتازی است که با شرکت در مجالس درس و مباحثات عالمان و بزرگان مذاهب مختلف اسلامی، و همچنین گرفتن و دادن اجازات روایتی، باب مراوده و راه ارتباط بین علمای مذاهب اسلامی را گشود و در نزدیک کردن علمای فرق مختلف به یکدیگر کوشش فراوان کرد و طریق ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل علما و فقهای جهان اسلام را پیمود و از آن، در ایجاد ارتباط و اتحاد و وحدت بخشی به جامعه اسلامی و مذاهب و فرق گوناگون جهان اسلام به خوبی استفاده کرد.

راه دیگری که آیت ا [مرعشی نجفی در تقریب مذاهب و ایجاد رابطه و برقراری اتحاد میان بزرگان و علمای اسلامی طی کرد، سیر و سفر و ملاقات با دانشمندان، فقها

-(93)-

و بزرگان اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی بود.

ایشان در این سفرها با شخصیتهای علمی و مذهبی بسیاری ملاقات و در محفل درس آنان شرکت جست و با آنان به بحث و بررسی مسائل اسلامی پرداخت، که برخی از آنان عبارتند از:

علاّمه سید محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری، علامه سید علی خطیب در نجف، سید یاسین حنفی در بغداد، شیخ عبد السلام شافعی کردستانی، رشید بیضون لبنانی، سید محمد رشید رضا شاگرد محمد عبده مصری و صاحب تقریرات تفسیری «تفسیر المنار»، عارف الزین مدیر مجله «العرفان» در لبنان، قاضی بهجت افندی صاحب کتاب «تاریخ آل محمد صلی ا علیه وآله»، دکتر حسن قاسم مصری، شیخ ابراهیم جبالی مصری، شیخ یوسف دجوی مصری، شیخ محمد بهجة بیطار دمشقی و صدها عالم و دانشمند برجسته از اهل سنت، زیدیه و اسماعیلیه و سایر فرق اسماعیلی.

راه دیگری که معظم له برای تقریب و ایجاد وحدت علمای اسلامی و در نتیجه ملل اسلامی پیمود، ارتباط با علما و بزرگان اهل سنت از راه مکاتبه بود.

نامه های فراوانی هم اکنون در میان اسناد زندگینامه آیت ا [مرعشی موجود است که نشان می دهد ایشان چقدر به این امر اهمیت می داده و در راه برقراری اتحاد میان مسلمانان، بویژه علمای اسلامی چه کوششی داشته است.

ایشان با رئیس «جمعیت اخوت اسلامی مصر» علامه شیخ طنطاوی جوهری، مکاتبات بسیاری داشته و برای وی کتابها و رساله های مختلفی در مورد شیعه ارسال می کرده است.

همچنین با علامه شیخ محمد بهجة بیطار دمشقی و علامه سید حسین محمد

–(94)–

رفاعی مصری رئیس «رابطة عموم السادة الاشراف الكبرى العالمية» و دیگر علما و فقهای بزرگ اهل سنت مکاتبه و نامه نگاری داشته است.

هدف از این مکاتبات در مرحله نخست اعلام کلمه اهل بیت علیهم السلام و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در جهان اسلام، و در مرحله دوم ایجاد وحدت و اعلان کلمه توحید و اتحاد جوامع و فرق و مذاهب اسلامی بود. یادش گرامی باد.

اینک يك اجازه که مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله برای مرحوم شیخ عبدالواسع واسعی یمانی در محرم سال 1355 ق. نوشته اند و در کتاب «الدر الفرید الجامع لمتفرقات الاسانید» که به سال 1357 ق در قاهره چاپ شده است، با اجازه ای دیگر از مرحوم شیخ محمد بخیت مطیعی حنفی مصری که برای آیت الله مرعشی نجفی نوشته است به عنوان نمونه از نظرتان می گذرانیم.

وهذه اجازة السيد العلامة شهاب الدين

أبو المعالي الحسيني الحسنی من علماء الامامية

حفظه الله من ايران مدينة قم

الحمد لله الذي جعل الروايات عن الأئمة السادات ذريعة لنيل السعادات، ومان طرفها من تطرق الشكوك والشبهات، والصلاة والسلام على أشرف البريات، محمد المنتهى إليه سلسلة العلوم من كل جهات، وعلى أهل بيته الذين اذهب الله عنهم الجرس وطهرهم تطهيرا، الذين من تمسك بذيلهم فقد نجا، ومن تخلف عنهم

فقد هلك، كيف والى اﻻ يدعون، وبأمره يعملون وبقوله يحكمون ، صلاة دائمة مستمرة.

وبعد فقد استجاز عني الأخ الفاضل، والعالم الكامل، شمس سماء العلم والجلالة،

-(95)-

وبدر أوج السعادة والنبالة، العلامة الباحثة، الاستاذ المؤرخ الرحلة، شيخنا الشيخ (عبدالواسع بن يحيى الواسعي) اليماني، دام مجده وفاق سعده، في رواية ما صحت لدى روايته، وصاغت عندي اجازته، من معقول ومنقول، وذلك بعد ما استجزت عنه رواية ما يرويه وقد أجازني، واني وان كنت لا أعد نفسي الجانية من فرسان هذالمضمار، ولا من سباق هذا الزمان ولكن امتثال أمره المطاع، ألزمني ياسعاف المسؤول، ونجاح المأمول، فاستخرت اﻻ في ذلك وأجزت له دام علاه، وزيد في ورعه وتقاه، أن يروي عني كل ما أرويه بطرفي المتكثرة المنتهية الى أهل بيت الوحي والرحمة، وخز ان العلم والحكمة، وهي تقرب من مأثتي طريق.

مضافاً الى مالي من طرق أهل السنة وغيرها من فرق الاسلام، ولا أعلم في هذه الأعصار، أنّه اتفق لحد مثل ما اتفق لي من جمع الطرق بهذا المقدار، وذلك من فضل ربي أشكر أم أكفر، ولكن الأسف أن المجال غير مقتصر لذكرها مفصلة لما أحل بنا مما (اشارة الى مصائب حلّت بنا من الشّقي البهلوي) يذيب القلوب ويهيج الأحزان والكروب، وأرجو اﻻ تعالى أن يكشف هذه الغمة عن الامة.

(والذي يمكنني) نجم سماء السيادة شرف آل الرسول فخر بني الزهراء البتول، سيدي الوالد العلامة الاستاذ السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشي النسابة المتوفى سنة (1388 ق) عن والده شرف الدين السيد علي سيد الأطباء الحسيني المرعشي المتوفى سنة (1314) عن والده السيد محمد عن والده السيد ابراهيم عن العلامة السيد محمد عن استاذه السيد عبد الفتاح عن والده السيد ضياء الدين محمد عن والده السيد محمد الصادق عن والده السيد محمد الطاهر، عن والده السيد علي النوّاب، عن والده السيد حسين علاء الدين، عن والده رفيع الدين محمد، عن والده السيد شجاع الدين محمود، عن والده السيد علي، عن والده السيد هداية اﻻ، عن والده

-(96)-

الشريف السيد علاء الدين الحسين الحسيني عن العلامة السيد غياث الدين المنصور الدشتكي الحسيني

الشيرازي وهو يروي عن آبائه ومشايخه السادة الميامين خلفاً عن سلف الى النبي الأكرم صلي الله عليه وآله مشهورة، معرفة في جوامع أصحابنا، كالكافي والاستبصار والتهذيب والبحار والوافي والوسائل والامالي والمجالس والارشاد ومدينة العلم وبصائر الدرجات ودعائم الاسلام والمحاسن والجعفریات وعلل الشرائع وعيون الاخبار وكشف الغمة واكمال الدين وثواب الاعمال وغيرها، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ خاتم أهل الحديث في القرن الرابع عشر ليث بني هاشم، البحر المحيط بأحاديث آل الرسول، سند العراق، الآية الحجة السيد أبو محمد الحسن صدر الدين، ابن الهادي الموسوي نزيل بلدة الكاظمين المشرفة بطرقه المعروفة، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ الزاهد العابد خادم قبري الامامين العسكريين ببلدة سرّ من رأي المعروفة (بسامرا) الحجة الثبت الشيخ الميرزا محمد بن علي الطهراني بطرقه المعروفة، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ المصلح الكبير الحجة الثبت سيدنا السيد نجم الحسن الهندي مؤسس مدرسة الواعظين المشهورة ببلاد الهند، وطرقه معروفة، (وممن أروي عنه) فخر الشيعة ومروّج الشريعة، مجدد مذهب أجداده الطاهرين وقامع بدع المنتحلين، السيد اسحاق المشتهر بناصر الحسين الهندي نجل صاحب كتاب عبقات الأنوار المشهورة، وطرقه معروفة، الى غير ذلك من طرق المأثتين.

وأما مشايخي من علماء الزيدية فعدة، منهم بل هو اعلا طريقي الى ائمة اهل البيت الامام الهمام ابن الكرام سيف آل الرسول وشرف بني الزهراء البتول، سيد ملوك الاسلام أمير المؤمنين الامام يحيى بن محمد حميد الدين، نصره الله وولد ملكه وأجرى في بحار التأييد فلكه، بطرقه المعروفة لديكم، ومنهم العلامة الفقيه المرحوم شيخ آل الرسول السيد محمد بن عقيل العلوي الحضرمي، ومنهم عدة من علماء بلدة

(97)

زبيد من بلاد اليمن السعيدة وغيرهم.

واما مشايخي من أهل السنة فعدة، منهم العلامة المحدث السيد ابراهيم الراوي الشافعي البغدادي بطرقه، ومنهم العلامة الشيخ محمد بخيت، مفتي الديار المصرية سابقاً بطرقه المعروفة، ومنهم العلامة السيد محمود الشكري افندي البغدادي بطرقه، ومنهم الاستاذ الشيخ ابراهيم المصري بطرقه، ومنهم الشيخ نور الدين الشافعي المشتهر بالشيخ نور القارئ الحافظ، ومنهم لاشيخ عبد السلام الكردي الى غير ذلك من طرقهم.

فلشيخنا العلامة الشيخ عبد الواسع ان يروي عن هؤلاء الحديث ومقدماته والفقهاء والاصوليين والتفسير

والنسب والتاريخ والتراجم والكلام والعلوم الالية غيرها بالاسانيد المتكثرة المضبوطة في أماكنها ومن أراد فليراجع المجلد الأخير من بحار الأنوار، وكتاب لؤلؤة البحرين، والدرة البهية، والروضة الندية، وأمل الأمل، وغيرها والمرجو من جنابه أن لا ينساني من صالح الدعاء في مظان الاجابة وأماكن الاستجابة، كما انني لست أنساه ان شاء الله تعالى والسلام عليه وعلى جميع موالى أهل البيت الطاهرين والرحمة والبركة، عصمنا الله وإياهم من الزلل والخطل والهفوة في القول والعمل، أنه على ذلك قدير وبالاجابة جدير، وصلى الله على سيدنا ونبينا وحبیب قلوبنا وطبيب نفوسنا، ابي القاسم محمد وعلى آله الطيبين مساكين ذكر الله، ومعادن حكمته وتراجمه وحيه، عناصر الأبرار، ودعائم الاخيار الذين بهم عرفنا الله معالم ديننا، وأصلح ما كان فسد من دنيانا، وبهم تمت الكلمة وعظمت النعمة وأثقلت الفرقة، الهلم أحيانا حياتهم، وأمتنا مماتهم، واحشرنا في زمرتهم، وتحت ولايتهم ولا تفرق بيننا وبينهم طرفة عين أبداً، وارزقنا في الدنيا زيارتهم، وفي الآخرة شفاعتهم:

-(98)-

آمين آمين لا أرضى بواحدة حتى يضاف اليه الف آمينا

ويرحم الله عبداً قال آمين.

وحرر في رابع محرم سنة (1355) وقد وقع الفراغ من هذه الاجازة الشريفة والعجالة المنيفة بمدرسة الفيضية الواقعة في جوار مشهد السيدة الجليلة فاطمة المعصومة بنت الإمام موسى الكاظم (س) وأنا الراجي فضل ربه، عبده الملتجى بباب أهل البيت شهاب الدين أبو المعالي المدعو بالنجفي الحسيني المرعشي كان الله له وعفا عنه ثم الختم.

مأخذ مقاله:

المسلسلات في الاجازات، السيد محمود المرعشي؛ الاجازة الكبيرة، آيت الله العظمى المرعشي النجفي، اعداد محمد السماوي الحائري باشراف السيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آيت الله العظمى المرعشي النجفي، (1414 ق)؛ الدرّ الفريد الجامع لمتفرقات الاسانيد، قاهره (1357 ق) شهاب شريعت، درنگی در زندگی حضرت آيت الله العظمى مرعشي نجفي على رفيعى علاء مرودشتى، قم، كتابخانه عمومى حضرت آيت الله مرعشي

نجفي (1373 ش م 1415 ق)؛ قبسات من حياة سيدنا الاستاذ آيت الله العظمى المرعشي النجفي، السيد عادل العلوي قم، كتابخانه عمومي آيت الله العظمى مرعشي نجفي واطلاعات اضافي كه خود اينجانب از آغاز طفوليت تاكنون از والد خود داشته ودارم.